

میقات حج

فصلنامه علمی - ترویجی

(سال سی ام - شماره ۱۱۹ - بهار ۱۴۰۱)

پژوهشکده حج و زیارت

صاحب امتیاز: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

مدیر مسئول: سید عبدالفتاح نواب

سر دبیر: غلامرضا رضائی

مدیر اجرایی: علی ورسه ای

هیأت تحریریه (به ترتیب الف - با):

جعفریان، رسول استاد دانشگاه تهران

عابدی، احمد استاد دانشگاه قم

رضائی، غلامرضا عضو هیئت علمی پژوهشکده حج و زیارت

محدثی، جواد استاد حوزه علمیه قم

مختاری، رضا استاد حوزه علمیه قم

معراجی، محمد مهدی محقق و پژوهشگر

ورعی، سید جواد دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

هدایت پناه، محمدرضا دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: واحد ویرایش پژوهشکده حج و زیارت

ترجمه چکیده ها: (عربی و انگلیسی): واحد ترجمه پژوهشکده حج و زیارت

صفحه آرا: سید علی علوی

نشانی اینترنتی: Miqat.hajj.ir

نشانی: قم ۷۵ متری عمار یاسر - ۲۰ متری آیت الله شهید قدوسی رحمته الله علیه

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت - پژوهشکده حج و زیارت

شماره تماس: ۰۲۵ - ۳۷۱۸۶۵۰۷ - ۰۲۵ - ۳۷۷۶۹۹۹۴ - ۰۲۵

چاپ و صحافی: مشعر - بها: ۵۵۰۰۰۰ ریال

ISSN 25381741

شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی، به استناد مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه، فصلنامه «میقات حج» را در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ (با شماره ۱۳۶۳۱) به رتبه علمی - ترویجی ارتقا داد.

«میقات حج»، در راستای اهداف خود مبنی بر اشاعه و ترویج فرهنگ حج، از مقالات و نوشته‌های علمی و پژوهشی عموم پژوهندگان و عالمان اهل قلم (به ویژه همکاران روحانی، معین‌ها و معینه‌های کاروان‌های حج) که با رویکرد حج نگاشته شده، استقبال می‌کند.

«میقات حج در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
ثبت و نمایه سازی شده است»

راهنمای تدوین، تنظیم و ارسال مقالات

* موضوع مقاله

حج و مباحث مرتبط با آن، مانند: اسرار و معارف حج، فقه حج، اماکن و آثار، سرزمین وحی، ادبیات و شعر حج، خاطرات حج، بهداشت حج، نقد و معرفی کتاب، از نگاهی دیگر و...

* ساختار مقاله

مقاله ارسالی باید در سطح علمی، ترویجی و بارعایت شرایط زیر باشد:

۱. دارای عنوان و تیترو، نام نویسنده یا مترجم، چکیده فارسی (حدود ۱۰ سطر)، کلید واژه، مقدمه، بدنه مقاله، نتیجه گیری و فهرست منابع کامل.

۲. مقاله از ده صفحه ۳۰۰ حرفی کمتر و از بیست و پنج صفحه بیشتر نباشد. در صورتی که از صفحات یاد شده بیشتر باشد، در دو شماره منتشر می شود.

۳. آدرس ها و منابع (جز توضیحات ضروری) به شیوه زیر در متن بیاید:

* منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مانند:

(حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).

* منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مانند:

(plantinga, ۱۹۹۸, p. ۷۱).

* فهرست منابع فارسی و لاتین کامل، به طور جداگانه در آخر مقاله به ترتیب

حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شکل زیر تنظیم گردد:

الف) برای کتاب؛ نام خانوادگی و نام نویسنده، تاریخ انتشار، نام کتاب، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ.

ب) برای مقاله؛ نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان مقاله، نام نشریه، سال انتشار و شماره مجله.

ج) پی نوشت های توضیحی در پایین صفحه آورده شود.

۴. تایپ مقالات بهتر است با نرم افزار WORD و با قلم Bzar باشد.
۵. مقاله ترجمه شده، به همراه متن زبان اصلی ارسال گردد.
۶. نام و نام خانوادگی نویسنده، یا مترجم، شماره تماس و پست الکترونیک همراه مقاله ارسالی بیاید.
۷. مقالات ارسالی عودت داده نمی شود.
۸. مجله در ویرایش مقالات آزاد است، البته به گونه ای که در محتوای علمی مطالب تغییر و دگرگونی ایجاد نشود.

* مراحل بررسی و چاپ مقاله

۱. مقاله، پس از دریافت، از حیث جهت گیری پژوهشی و ساختار، بررسی مقدماتی می شود.
۲. در صورت احراز حداقل شرایط قابل داوری، برای ارزیابی در اختیار اعضای هیئت تحریریه قرار گرفته، و پس از آن در جلسه تحریریه در مورد رد یا تایید آن تصمیم گیری می شود.
۳. اعلام نتیجه (پذیرش، پیشنهاد اصلاح یا پاسخ رد) به نویسنده، از سه ماه تجاوز نمی کند.
۴. نویسنده یا مترجم، تذکرات و پیشنهادهای داور مقاله را به طور کامل اعمال نماید.
۵. مقاله، پس از طی مراحل یادشده، در نوبت انتشار قرار می گیرد.

* یادآوری ها

- * موضوع مقاله، در شماره های پیشین میقات، همچنین متن آن قبل از میقات در جایی انتشار نیافته باشد.
- * مسئولیت آرا و نظریات به عهده نویسندگان است.
- * مقالات رسیده، بازگردانده نخواهد شد

فهرست

- گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی مرتبط با آیات حج ۷
محمدهادی قهاری کرمانی
- وجوب تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام از منظر آیات قرآن و احادیث فریقین ۳۷
مهدی نکوئی سامانی
- «حج نامه» و گشودن افق‌های جدید حج پژوهی ۷۵
حسین واتقی
- واکاوی فتاوا و سیره عملی علمای مذاهب اسلامی در باب زیارت قبور ۸۹
سیدابوالقاسم حسینی زیدی (نویسنده مسئول) ، محمدباقرهاشمی
- از کشمیر تا کعبه؛ سفری به ایمان قدیمی‌ها ۱۱۱
خالد بشیر احمد (نویسنده) ، لیلا عبدی خجسته (مترجم)
- بازخوانی دیدگاه پطروشفسکی درباره «حج» در کتاب «اسلام در ایران» ۱۳۵
سیدمحسن موسوی (نویسنده مسئول) ، سیده فرناز اتحاد
- چکیده‌های عربی ۱۵۵
- چکیده‌های انگلیسی ۱۶۳



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی مرتبط با آیات حج

محمدهادی قهاری کرمانی^۱

چکیده

آیات قرآن افزون بر معنای ظاهری، دارای تأویل‌اند و بهترین راه فهم آن نیز از طریق اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام، طبق حدیث ثقلین، همتای قرآن به شمار می‌روند. منتها در تفاسیر و مجامع حدیثی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است. بنابراین جداسازی روایات تأویلی و تفسیری و تعیین نوع تأویل آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد.

این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تأویلی مرتبط با آیات حج چه نوع تأویلاتی صورت پذیرفته است. طبق معنای اصطلاحی تأویل قرآن در آیات و روایات، روایات تأویلی مرتبط با آیات حج استخراج، و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد چهار نوع تأویل در این روایات وجود دارد که عبارت‌اند از: «معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) و مصداق اطلاق یا عموم آیه».

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تأویل، آیات حج، روایت تأویلی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان.

ژرفای نهایت ناپذیر قرآن، یکی از رموز مهم ماندگاری قرآن در طول زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند.

تأویل به این معناست که آیات الهی علاوه بر معنای ظاهری، مفاهیم و معارف دیگری نیز در خود دارد که می‌توان از طریق روایات اهل بیت علیهم‌السلام آنها را استخراج کرد؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام، طبق حدیث ثقلین، همتای قرآن به شمار می‌روند.

درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق باید گفته شود که در منابع تفسیری روایی، روایات تأویلی از تفسیری تفکیک نشده است. شاید علتش این بوده باشد که ماهیت تأویل قرآن برای مؤلفان این منابع به طور کامل روشن نبوده است. از این رو در این پژوهش ضمن مشخص شدن ماهیت تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات، به جداسازی روایات تأویلی از تفسیری ذیل آیات مرتبط با حج پرداخته شده است.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تأویلی ذیل آیات مرتبط با حج چه گونه‌های تأویلی صورت پذیرفته است؟ از آنجا که در بین روایات تفسیری ذیل آیات مرتبط با حج روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی، و بر اساس آن، انواع تأویل آیات مرتبط با حج را کشف کنیم.

در خصوص تأویل قرآن پژوهش‌هایی انجام شده است که می‌توان مهم‌ترین پیشینه این تحقیق را آثار ذیل دانست:

«روش‌های تأویل قرآن» محمدکاظم شاکر و مقالات «تأویل قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی (ر.ک: معرفت، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۲)، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت علیهم‌السلام» نوشته حمید آگاه (ر.ک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵)، «معناشناسی

تأویل در روایات» نوشته محمد فرجاد (ر.ک: پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)» نوشته سیدحیدر علوی نژاد (ر.ک: حسنا، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه های برخی قرآن پژوهان معاصر» نوشته شهاب الدین ذوقفاری (ر.ک: حسنا، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳)، «تأویل از نگاه تحقیق» نوشته علی نصیری (ر.ک: بینات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۷۷) و «تأویل» نوشته محمدکاظم شاکر (ر.ک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۰-۱۱۱).

در خصوص نقاط افتراق این مقاله با پژوهش های یادشده باید گفته شود که اولاً در آثار یادشده ماهیت تأویل قرآن با آنچه در این تحقیق تعریف شده، متفاوت است؛ ثانیاً تبیین انواع تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات در این پژوهش نسبت به پژوهش های مذکور تفاوت دارد؛ ثالثاً در هیچ یک از تحقیقات یادشده به استخراج روایات تأویلی آیات مرتبط با حج و تعیین نوع تأویل آنها اهتمام ورزیده نشده است.

همچنین مقالات «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن» (ر.ک: پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، «انواع روایات تأویلی سوره آل عمران درباره حضرت علی (علیه السلام)» (ر.ک: دوفصلنامه پژوهشنامه نقد آرای تفسیری، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹)، «انواع روایات تأویلی سوره هود درباره امام علی (علیه السلام)» (ر.ک: مطالعات علوم قرآن، شماره ۷، بهار ۱۴۰۰)، «گونه شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان (علیه السلام)» (ر.ک: دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۶، شهریور ۱۴۰۰) و «گونه شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)» (ر.ک: فصلنامه سفینه، شماره ۷۳، زمستان ۱۴۰۰) همگی از نگارنده به عنوان پیشینه این پژوهش محسوب می گردند که تنها نقطه اشتراک آنها با این مقاله تعریف ماهیت تأویل قرآن و تعیین انواع آن است.

تأویل در لغت

در کتب لغت چهار معنا برای تأویل ذکر شده که عبارت اند از:

۱. مرجع و عاقبت امر (رک: فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی تا،

ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن فارس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۲۲۶؛

ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱)

۲. سیاست و تدبیر کردن (رک: ازهری، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۵۸)

۳. تفسیر کردن (رک: فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی تا، ج ۱۵،

ص ۴۵۸)

۴. برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر - (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱،

ص ۸۰)

در این کتاب‌ها، تأویل غالباً به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است؛ از آنجا که استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، این معنا به عنوان معنای یکم مطرح شد. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم درباره «تأویل کلام» کاربرد دارند، اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آنکه معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آنکه در خصوص معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را براساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. خلیل بن احمد معنای سوم را به تفسیر سخنی که معنای مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری است، تعریف کرده است. (رک: فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۰) به دیگر سخن، تأویل‌گر با ملاحظه وجوه متعدد معنایی، وجه درست را (که همان معنای ظاهری نهایی است) انتخاب می‌کند و به لفظ نسبت می‌دهد. بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از

تفسیر اطلاق می‌گردد؛ چنان‌که برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است». (جوهری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد، با این بیان که معنای غیر ظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معانی کلام است.

بررسی‌های لغوی معاصر - که با تکیه بر نظر ابن فارس تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است (رک: فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۹) - قابل ملاحظه است؛ زیرا ابن فارس در هیئت فعلی ماده «أول» که تأویل ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر سخنی به میان نیاورده است، بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده، از جمله در واژه «تأویل»، مورد توجه قرار داده است. (رک: ابن فارس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۸) از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جست‌وجو کنیم و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده بدانیم. (رک: اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳) نتیجه آنکه معنای اصلی تأویل عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده، اما اصطلاح تأویل قرآن در آیات و روایات به کار رفته است. لذا بهترین راه برای معنانشناسی تأویل قرآن رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح ماهیت تأویل قرآن کشف، و تعریفی جامع برای آن ارائه شود. نگارنده در مقاله‌ای دیگر،

کاربردهای تأویل قرآن در آیات و روایات را بررسی، و ماهیت تأویل قرآن را مشخص کرده است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۷۴-۸۲)

لفظ تأویل در هفت سوره قرآن هفده بار به کار رفته است. (ر.ک: آل عمران: ۷؛ نساء: ۵۹؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ اسراء: ۳۵؛ کهف: ۷۸ و ۸۲) از این هفده بار پنج مورد آن درباره قرآن به کار رفته است که دو بار (ر.ک: آل عمران: ۷) به معنای «مقصود از آیات متشابه» و سه بار (ر.ک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹) به معنای «تحقق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۵۷ و ج ۵، ص ۱۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۸، ص ۲۹۵) در روایات کلمه تأویل در خصوص قرآن در هشت معنای به کار رفته است که عبارتند از: «معنای ظاهری آیه، مصداق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه». (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۷۲-۷۱) بنابراین «تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات دارای هشت معناست. البته می توان این معانی هشت گانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن خلاصه کرد. «تأویل قرآن» به معنای عام همه معانی هشت گانه را در بر گرفته است، اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم است؛ زیرا تمام آیات و بیشتر روایاتی که واژه تأویل در خصوص قرآن در آنها به کار رفته، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است. (همو، ص ۸۴)

نکته دیگر آنکه دو معنای اول تأویل قرآن (معنا و مصداق ظاهری آیه) در حوزه تفسیر قرآن قرار می گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت (یکی از معانی تأویل را تفسیر کردن دانستند)، تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز

می‌شود. از این رو در روایات به این دو معنا نیز اطلاق تأویل شده است. بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است و نسبت آن با تفسیر عموم و خصوص مطلق است، ولی نسبت تأویل قرآن به معنای خاص با تفسیر، تباین است. (همو، ص ۸۴)

مراد از تأویل قرآن در این مقاله تأویل به معنای خاص است. بنابراین ما درصدد بیان روایات تأویلی ذیل آیات مرتبط با حج، که مشتمل بر یکی از معانی سوم تا هشتم باشد، هستیم.

انواع روایات تأویلی آیات مرتبط با حج

میان روایات تفسیری ذیل آیات مرتبط با حج روایاتی وجود دارد که به تأویل این آیات پرداخته‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه آنها را ذکر می‌کنیم.

۱. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن افزون بر معنای ظاهری، معارف باطنی عمیقی دارند که همگان قدرت فهم آن را ندارند و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. خاصه و عامه بر اصل وجود باطن برای قرآن اتفاق دارند و روایاتی که به تواتر معنوی رسیده بر آن دلالت می‌کنند. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶، ص ۸۷-۹۱) در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن اینکه قرآن کریم دارای بطن (معنای باطنی) است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت می‌فرماید:

ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن است؛ بخشی از تأویل قرآن محقق شده و بخش دیگر آن هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند

خورشید و ماه جریان دارد. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱)

در روایات تأویلی ذیل آیات مرتبط با حج روایاتی است که معنای باطنی آیه را بیان کرده اند. در ادامه به نقل این روایات می پردازیم:

یک - امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹) فرمود: «يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ، أَيَّ الْأُمُورِ كَانَ»؛ «منظور این است که در هر کاری از طریق صحیح وارد شود بیند آن امر چه امری است». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۴)

دو - از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» چنین روایت شده است: «يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأُمُورَ عَنْ وَجْهِهَا، فِي أَيِّ الْأُمُورِ كَانَ»؛ «منظور این است که در هر کاری از طریق صحیح وارد شود بیند آن امر چه امری است». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶)

سه - از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» روایت شده است: «اتُّوا الْأُمُورَ مِنْ وَجْهِهَا»؛ «در هر کاری از طریق صحیح آن وارد شوید». (همانجا)

در سه روایت اخیر عبارت «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در معنایی غیر از معنای ظاهری آیه تأویل شده است. بنابراین تأویل در این روایات از نوع بیان معنای باطنی آیه است.

چهار - از امام صادق علیه السلام درباره «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۶) پرسیده شد، حضرت فرمود:

«لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي أَحَدٌ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ». قَالَ: «مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ الْبَيْتَ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ، وَعَرَفْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا، كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

از من چیزی را پرسیدی که تا حالا کسی نپرسیده، مگر آن کسی که خدا

بخواهد. سپس فرمود: «هرکسی قصد این خانه را بکند و بداند که این، همان خانه‌ای است که خداوند به رفتن به آنجا امر فرموده است و ما اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسد، طوری که حق شناخت ما را به جا بیاورد، در دنیا و آخرت در امن و امان است». (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۲۳۵)

پنج - امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۹۶ سوره آل عمران فرمود:

مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ يَعْرِفُ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا مَا عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ، وَكَفَّاهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾.

هرکس وارد مکه و داخل مسجدالحرام بشود و حق و حرمت ما را بشناسد، همان قدر که به حق و حرمت مکه پی برده است، خداوند گنااهش را می‌بخشد و او را از امر دنیا و آخرت، که برای او اهمیت دارد، بی‌نیاز می‌سازد و این کلام خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۹)

شش - از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد که مقصود خداوند از ﴿آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۶) چه کسانی اند، درحالی که گاهی مرجئه و قدری ها (جبریون) و حروری‌ها و زنداقه که به خدا ایمان ندارند هم در آنجا وارد می‌شوند؟

... قال: «لَا، وَلَا كِرَامَةَ». قُلْتُ: فَسَنُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: «مَنْ دَخَلَهُ وَهُوَ عَارِفٌ بِحَقِّهَا كَمَا هُوَ عَارِفٌ لَهُ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُفِيَ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

فرمود: «نه، [آنها] هیچ کرامتی ندارند». راوی پرسید: «جانم فدایت، پس منظور چه کسانی هستند؟» فرمود: «هرکس داخل آن شود و حق ما را بشناسد، هم چنان که خانه کعبه را می‌شناسد، از گناهایش خارج می‌شود».

و غم و اندوه دنیا و آخرت از او رفع می شود». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۰)

آیه ۹۶ سوره آل عمران در این مطلب ظهور دارد که هرکس وارد حرم الهی شد در امنیت جانی و مالی است؛ ولی روایات فوق این آیه را به کسانی که حق اهل بیت علیهم السلام را بشناسند و ادا کنند تأویل کرده اند. بنابراین تأویل در این روایات از نوع بیان معنای باطنی آیه است.

هفت - امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۶) فرمود:

فِي قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَمَنْ بَايَعَهُ، وَ دَخَلَ مَعَهُ، وَ مَسَحَ عَلَى يَدِهِ، وَ دَخَلَ فِي عَقْدِ أَصْحَابِهِ، كَانَ آمِنًا.

درباره قائم ما اهل بیت علیهم السلام است؛ هرکس با او بیعت کند و همراه او داخل شود و با او دست بیعت بدهد و در زمره یارانش در آید در امان خواهد بود. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۱)

همان طور که ذیل روایت قبل گفتیم، آیه ۹۶ سوره آل عمران در این مطلب ظهور دارد که هرکس وارد حرم الهی شد در امنیت جانی و مالی است؛ ولی روایت فوق این آیه را به هرکس که با قائم اهل بیت علیهم السلام بیعت کند و در زمره یارانش در آید، تأویل کرده است. بنابراین، تأویل در این روایت نیز از نوع بیان معنای باطنی آیه است.

هشت - از امام هادی علیه السلام سؤال شد که آیا افعال بندگان، مخلوق خداوند متعال هستند؟ حضرت فرمود:

لَوْ كَانَ خَالِقًا لَهَا لَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْهَا وَقَدْ قَالَ سُبْحَانَهُ ﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (توبه: ۳) وَ لَمْ يَرِدِ الْبِرَاءَةَ مِنْ خَلْقِ ذَوَاتِهِمْ وَ إِنَّمَا تَبَرَّأْنَا مِنْ شُرَكَهُمْ وَ قَبَائِحِهِمْ.

اگر خداوند خالق آنها می بود از آنها برائت نمی جست و حال آنکه خداوند سبحان فرموده است: ﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ و منظور

خداوند برائت از خود مشرکان نیست، بلکه خداوند تنها از شرک و زشت کاری های آنان برائت جسته است. (مفید، ۱۴۱۴، ص ۴۳)

در ظاهر آیه خداوند از خود مشرکان برائت جسته است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۸۶) اما در این روایت به برائت جستن از شرک و زشت کاری های آنان تأویل شده است که معنای باطنی آیه به شمار می رود.

نه - ذریح محاربی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «خداوند در کتاب خویش به من دستوری داده است که دوست می دارم به آن عمل کنم. حضرت پرسید: «کدام دستور؟» عرض کردم: «دستوری که در آیه: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ (حج: ۲۹) فرموده است». حضرت فرمود:

لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ لِقَاءِ الْإِمَامِ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ تِلْكَ الْمَنَاسِكُ.

منظور از ﴿لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ دیدار امام معصوم [در مراسم حج] و منظور از ﴿وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ همان مناسک و اعمال حج است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۲۴۸)

ده - از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ (حج: ۲۹) سؤال شد، حضرت فرمود: «منظور کوتاه کردن سبیل، چیدن ناخن ها و کارهایی مانند این است». راوی عرض کرد: «جانم به فدایت، ذریح محاربی از قول شما برایم نقل کرده که به او فرموده ای منظور از ﴿لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ دیدار امام معصوم و منظور از ﴿وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ همان مناسک حج است!» امام فرمود:

صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقَتْ إِنْ لِقَاءَ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ.

ذریح راست گفته و توهم درست می گویی؛ [بدان که] قرآن ظاهری دارد

و باطنی؛ و هر کسی نمی تواند همچون ذریح معنای حقیقی و باطن قرآن را درک کند. (همان)

یازده - امام صادق علیه السلام به کسانی که در حال طواف کعبه بودند نگاهی کرد و فرمود:

طَوَافُ كَطَوَافِ الْجَاهِلِيَّةِ أَمَا وَاللَّهِ مَا يَهْدَا أُمُرًا وَ لَكِنَّهُمْ أُمُرًا أَنْ يَطُوفُوا بِهِدِهِ
الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَنْصَرِفُوا إِلَيْنَا فَيَعْرِفُونَا مَوَدَّتَهُمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ وَ تَلَاؤُهُمْ
لِيَقْضُوا تَقَاتُهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ ﴿ وَ قَالَ التَّفَثُ الشَّعْتُ وَ التَّنْذُرُ لِقَاءُ الْإِمَامِ .

این طوافی است همچون طواف دوران جاهلیت؛ به خدا سوگند که اینها مأمور به انجام چنین کاری نشده اند، بلکه دستور یافته اند گرداگرد سنگ های کعبه طواف کنند، آن گاه نزد ما آیند و مودت خود را نسبت به ما اظهار، و برای یاری ما اعلام آمادگی کنند. سپس حضرت آیه: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَقَاتُهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ را تلاوت کرد و فرمود: «منظور از تفث، آشفستگی و ژولیدگی موهای سر، و منظور از نذر، دیدار امام معصوم [در مراسم حج] است». (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۱)

در سه روایت فوق عبارت ﴿لِيَقْضُوا تَقَاتُهُمْ﴾ به دیدار امام معصوم در مراسم حج و همچنین عبارت ﴿وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾ به مناسک و اعمال حج یا دیدار امام معصوم در مراسم حج تأویل شده و تأویل آن غیر از معنای عرفی و ظاهری است (برطرف کردن آلودگی ها و وفا کردن به نذرها). بنابراین، تأویل در این روایات از نوع بیان معنای باطنی آیه است.

دوازده - امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَ لِشُكْرٍ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾ (حج: ۳۷) فرمود: «التَّكْبِيرُ التَّعْظِيمُ لِلَّهِ وَ الْهُدَايَةُ الْوَلَايَةُ»، «[حقیقت] تکبیر، بزرگ شمردن خداوند

و منظور از هدایت، [ارشاد و راهنمایی انسان‌ها به] ولایت [اهل بیت علیهم‌السلام] است». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۲)

منظور از «هداکم» در آیه ۳۷ سوره حج، هدایت به سوی خداست، اما در این حدیث به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تأویل شده که این تأویل از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

۲. مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. در پاره‌ای از روایات تأویلی ذیل آیات مرتبط با حج، مصادیق برجسته‌ای از مفاهیم باطنی آیات مطرح شده است. در اینجا به ذکر آن روایات می‌پردازیم.

یک - از امام علی علیه‌السلام درباره معنای بیوت در آیه ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ (بقره: ۱۸۹) سؤال شد، حضرت فرمود:

مَحْنُ الْبُيُوتِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا أَنْ تُؤْتَى مِنْ أَبْوَابِهَا، مَحْنُ بَابِ اللَّهِ وَبُيُوتُهُ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا، فَمَنْ بَايَعَنَا (تَابَعَنَا) وَ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا، وَ مَنْ خَالَفَنَا وَ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا.

منظور از خانه‌هایی که خداوند امر فرمود باید از در آنان وارد شد، ما هستیم. ما در و خانه‌های الهی هستیم که رسیدن به او از طریق آن میسر است. پس هرکس با ما بیعت (تبعیت) کند و ولایت ما را بپذیرد، از در خانه‌ها وارد شده و هرکس که با ما مخالفت ورزد و دیگران را بر ما ترجیح دهد از پشت خانه‌ها وارد شده است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۷)

دو- از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹) سؤال شد، حضرت فرمود:

أَلْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْوَابُ اللَّهِ وَسَبِيلُهُ، وَالِدُعَاةُ إِلَى الْحِجَّةِ، وَالْقَادَةُ إِلَيْهَا، وَالْأَدْلَاءُ عَلَيْهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درهای الهی و راه رسیدن به خدا هستند و مردم را به سوی بهشت فرا می خوانند و تا روز قیامت پیشرو و راهنمای مردم به سوی بهشت می باشند». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶)

سه - در حدیث مرفوعی درباره آیه «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹) چنین روایت شده است: «الْبُيُوتُ الْأُمَّةُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْأَبْوَابُ أَبْوَابُهَا»؛ «منظور از بیوت (خانه ها) و ابواب (درها) ائمه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشند». (همانجا)

چهار - امام باقر علیه السلام فرمود:

مَنْ أَتَى آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَتَى عَيْنًا صَافِيَةً، تَجْرِي بِعِلْمِ اللَّهِ، لَيْسَ لَهَا نَفَادٌ وَلَا انْقِطَاعٌ، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَوْ شَاءَ لَرَأَاهُمْ لِأَرْهَمُ شَخْصَهُ حَتَّى يَأْتُوهُ مِنْ بَابِهِ، وَ لَكِنْ جَعَلَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَبْوَابَهُ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا».

هرکس نزد آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیاید وارد چشمه زلالی می شود که دانش الهی از آن نشئت می گیرد و پایان ناپذیر است و دانش آن قطع ناشدنی است؛ چراکه اگر خدا می خواست، خود را به آنها نشان می داد تا از در او به او برسند. ولی خداوند خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درهای خود قرار داد و رسیدن به او تنها از طریق آنان میسر است؛ زیرا خداوند می فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ

بِأَنَّ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»

(صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۹۹)

مصادیقی که برای واژه‌های «الْبُيُوتَ» و «أَبْوَابِ» در چهار حدیث اخیر مطرح شد غیر از مصادیق عرفی و ظاهری آنهاست. بنابراین تأویل در این احادیث از نوع بیان مصادیق باطنی آیه است؛ زیرا معنای باطنی آیه، امامت و ولایت است و در روایات فوق به مصادیق آن معنای باطنی، که اهل بیت علیهم‌السلام هستند، اشاره شده است.

پنج - از امام علی علیه‌السلام روایت شده است:

خداوند برای دانش، شایستگی قرار داد و پیروی از آنان را بر بندگان واجب نمود، به دلیل فرموده اش «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا». مراد از بیوت، خانه‌های دانش است که در انبیا به ودیعه گذاشته و مراد از ابواب جانشینان آنها هستند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۷)

در این روایت، تأویل واژه «الْبُيُوتَ» از نوع معنای باطنی آیه، و تأویل واژه «أَبْوَابِ» از نوع مصداق باطنی آیه است.

شش - امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۹۷ سوره آل عمران فرمود:

نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَنَحْنُ الزَّكَاةُ وَنَحْنُ الصِّيَامُ وَنَحْنُ الْحُجُّ وَ
نَحْنُ الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ
وَجْهُ اللَّهِ

منظور از نماز در کتاب خدا و زکات و روزه و حج و ماه حرام و سرزمین حرام و خانه کعبه و قبله خدا و وجه الله، ما هستیم». (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۸۰)

در روایت فوق از امام علیه‌السلام به عنوان مصداق باطنی حج، ماه حرام، سرزمین حرام، کعبه و قبله یاد شده است.

هفت - امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ﴾ (توبه: ۳) فرمود:

الْأَذَانُ اسْمٌ نَحَلَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلِيًّا عليه السلام مِنَ السَّمَاءِ لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَدَّى عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله سُورَةَ بَرَاءَةٍ وَ قَدْ كَانَ بَعَثَ بِهَا أَبَا بَكْرٍ فَأَنْزَلَ اللَّهُ جِبْرِئِيلَ عليه السلام عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ لَا يَبْلُغُ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا عليه السلام فَأَخَذَ الصَّحِيفَةَ مِنْ أَبِي بَكْرٍ وَ مَضَى بِهَا إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَسَمَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى أَذَانًا مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله إِنَّهُ اسْمٌ نَحَلَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ لِعَلِيٍّ عليه السلام.

این نامی است که خداوند عزوجل به علی علیه السلام در آسمان داده است؛ زیرا او از جانب خداوند آیات برائت را بر مشرکان خواند و این در حالی بود که رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را با ابوبکر فرستاده بود. پس جبرئیل نازل شد و گفت: «ای محمد! خداوند به تو می گوید کسی نباید این آیات را از جانب تو ابلاغ کند مگر خودت یا مردی از اهل بیت خودت». پس رسول خدا صلى الله عليه وآله علی علیه السلام را در پی ابوبکر فرستاد و او نیز صحیفه را از ابوبکر گرفت و با خود به مکه برد. پس خداوند او را «أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ» نامید. این نام را خدا از آسمان برای علی علیه السلام هدیه کرده است. (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲۹۸)

هشت - امام علی علیه السلام درباره آیه ﴿وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ﴾ (توبه: ۳) فرمود: «أَنَا ذَلِكَ

الْأَذَانُ»؛ «آن اذان من هستم». (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۳۱)

نه - امام علی علیه السلام درباره آیه ۳ سوره توبه فرمود:

أَنَا الْمُؤَذِّنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَذِّنُ وَقَالَ ﴿وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ﴾ فَأَنَا ذَلِكَ الْأَذَانُ.

مؤذن در دنیا و آخرت منم. خدای عزوجل فرمود: در این هنگام، ندا دهنده‌ای میان آنها ندا می‌دهد که «لعنت خدا برستمگران باد» و آن مؤذن من هستم. [همچنین خداوند] فرمود: ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ که آن اذان من هستم. (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۵۹)

ده - امام سجاد علیه السلام درباره آیه ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (توبه: ۳) فرمود: «الاذان أمير المؤمنين علیه السلام»؛ «مراد از اذان، امیرمؤمنان علیه السلام است». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۶)

یازده - امام سجاد علیه السلام درباره آیه ۳ سوره توبه فرمود:

إِنَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي كِتَابِ اللَّهِ اسْمًا وَلَكِنْ لَا يَعْرِفُونَهُ قَالَ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ أَلَمْ تَسْمَعْ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ هُوَ وَاللَّهُ كَانَ الْأَذَانُ.

علی بن ابی طالب علیه السلام در کتاب خدا نامی دارد که آن را نمی‌شناسند. راوی گفت: «این نام چیست؟» حضرت فرمود: مگر آیه ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ را نشنیده‌ای؟ به خدا سوگند آن اذان علی علیه السلام است». (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۰)

دوازده - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ فَكُنْتَ أَنْتَ الْمُبَلِّغُ عَنِ اللَّهِ وَعَنِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله و سلم.

خدای عزوجل فرمود: ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾. پس مؤذن از جانب خدا و از جانب رسولش تو هستی. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹)

واژه «أَذَانٌ» در آیه ۳ سوره توبه، ظهور در اعلام دارد، ولی در این احادیث به امام

علی علیه السلام تأویل شده است. لذا تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه است.

سیزده - امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» (توبه: ۳) فرمود: «خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَذَانٌ دَعْوَتُهُ إِلَى نَفْسِهِ»؛ «منظور، خروج قائم علیه السلام

است و مراد از اذان دعوت او به خود اوست». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۶)

در این روایت روز حج اکبر به روز خروج قائم علیه السلام و اذان به دعوت آن حضرت به خود تأویل شده است که به ترتیب، مصداق باطنی و معنای باطنی به شمار می رود.

چهارده - از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه «وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (حج: ۲۵) چنین روایت شده است: «تَزَلَّتْ فِي مَنْ يُلْحَدُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَيُظْلِمُهُ»؛ «این آیه درباره کسانی نازل شده است که درباره امیرالمؤمنین علیه السلام کج روی

می کنند و به او ستم روا می دارند». (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۳)

پانزده - امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ» (حج: ۲۵) فرمود:

تَزَلَّتْ فِيهِمْ حَيْثُ دَخَلُوا الْكَعْبَةَ فَتَعَاهَدُوا وَ تَعَاقَدُوا عَلَى كُفْرِهِمْ وَ جُحُودِهِمْ
بِمَا نَزَّلَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَأَلْحَدُوا فِي الْبَيْتِ بِظُلْمِهِمُ الرَّسُولَ صلوات الله عليه وَ وَليَّهٖ
فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

این آیه درباره کسانی نازل شده که وارد کعبه شدند و بر کفر و انکار خود نسبت به آنچه درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده، با یکدیگر عهد و پیمان بستند. پس ایشان در خانه خدا به واسطه ستمی که نسبت به پیغمبر صلوات الله عليه و جانشین او روا داشتند دچار الحاد و کج روی شدند؛ قوم

ستمکار [از رحمت خدا] دور باد. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۸۶)

در آیه ۲۵ سوره حج، عبارت «وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ» به معنای کافرانی است

که با مردم با الحاد و ظلم رفتار می‌کنند، ولی در دو روایت فوق بر کسانی که درباره امیرالمؤمنین علیه السلام دچار کج روی و ظلم شدند، تأویل شده است. بنابراین تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه است.

شانزده - امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ﴾ (حج: ۲۵) فرمود:

مَنْ عَبَدَ فِيهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْ تَوَلَّى فِيهِ غَيْرَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَهُوَ مُلْحَدٌ بِظُلْمٍ وَ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يُذِيقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ.

هرکس در سرزمین مکه غیر از خداوند عزوجل را پرستد یا ولایت کسی غیر از اولیای الهی را بپذیرد، چنین کسی با انحراف از حق، روی به ستم آورده و بر خداوند رواست که از عذابی دردناک به او بچشاند. (کلینی،

۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷۴۹)

در آیه ۲۵ سوره حج، عبارت ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ﴾ به معنای کافرانی است که با مردم با الحاد و ظلم رفتار می‌کنند، ولی در روایت فوق بر کسانی که ولایت افرادی غیر از اولیای الهی را بپذیرند تأویل شده است. بنابراین تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه است.

۳. مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی احادیث به مصداق زمان نزول، که آیات ناظر به آنها بوده، ظهور و تنزیل گفته شده و به مصداق مشابه آنها، که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق است، بطن و تأویل گفته شده است. (رک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) در این گونه روایات، تأویل قرآن به مصداقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات است؛ بعضی از آنها تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهد شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل

در خصوص «مصدق آیه در گذر زمان» به کار رفته است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات آمده است. بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل تأکید می کند. در اینجا به نقل این گونه روایات تأویلی آیات مرتبط با حج می پردازیم.

یک - امام سجاد علیه السلام درباره آیه ۱۲۶ سوره بقره فرمود:

قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ﴾ إِيَّانَا عَنِّي بِذَلِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَةَ وَصِيَّتِهِ. قَالَ: ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتَعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ﴾ قَالَ: عَنِّي بِذَلِكَ مَنْ جَحَدَ وَصِيَّتَهُ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ أُمَّتِهِ، وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ حَالُ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

ابراهیم علیه السلام از اینکه به خداوند عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند - از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» ما و اولیای خود و شیعیان جانشین خویش را منظور داشته است. نیز منظور از: «به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد، سپس آنها را به عذاب آتش می کشانیم» افرادی از امت او هستند که جانشین او را انکار کردند و از او پیروی نکردند و به خدا قسم حال این امت نیز این گونه است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۴)

جمله ﴿وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ﴾ در آیه یاد شده ظهور در همه مؤمنان مکه دارد، اما در این حدیث به امامان علیهم السلام و شیعیان تأویل شده است. همچنین عبارت «مَنْ كَفَرَ» ظهور در همه کافران دارد که در این روایت به منکران جانشینی امام علی علیه السلام تأویل شده است. بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از

نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) است.

دو - امام علیه السلام در روایتی دیگر درباره آیه ۱۲۶ سوره بقره فرمود:

فَلَمَّا أَسْكَنَ ذُرِّيَّتَهُ بِمَكَّةَ، قَالَ: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾، فَاسْتَشْنَى مَنْ آمَنَ خَوْفًا أَنْ يَقُولَ لَهُ: لَا، كَمَا قَالَ لَهُ فِي الدَّعْوَةِ الْأُولَى: ﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾. فَلَمَّا قَالَ اللَّهُ: ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ قَالَ: يَا رَبِّ، وَمَنِ الَّذِي مَتَّعْتَهُمْ؟ قَالَ: الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِي فَلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ.

ابراهیم علیه السلام چون نسل خود را در مکه اسکان داد عرض کرد: «پروردگارا! این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را هرکس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد». پس او «مَنْ آمَنَ» را از ترس اینکه خداوند در جواب دعای او «نه» بگوید، استثنا کرد؛ چنان که خداوند در دعای اول به او فرمود: ﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾. پس هنگامی که خداوند فرمود: «هرکس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش (دوزخ) می‌کشانم و چه بدسرانجامی است». ابراهیم علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا، آن کسانی که متاع اندکی به آنان دادی چه کسانی هستند؟» خداوند فرمود: «آنها کسانی اند که به آیات من کافر شدند که همان فلانی و فلانی و فلانی اند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۷)

عبارت ﴿مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا﴾ ظهور در همه کافران دارد، ولی در این روایت به فلانی، فلانی و فلانی تأویل شده است. بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از نوع

مصدق اطلاق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) است.

۴. مصداق اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصداق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که ذیل این‌گونه آیات نقل شده است به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. در برخی از این روایات، ضمن بیان این نوع از مصداق آیات، تصریح شده است که این مصداق در زمره تأویل آیه است. ضمناً گاهی برخی مصداق عموم یا اطلاق آیه تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است.

لازم به ذکر است که مصداق عموم یا اطلاق آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه برای غیر معصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض غیر معصوم چنین مصداقی را بیان کند، فاقد حجیت است. اینک به نقل این نوع از روایات تأویلی در آیات مرتبط با حج می‌پردازیم.

یک - از امام صادق علیه السلام سؤال شد که امت محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «امت محمد تنها بنی هاشم هستند». راوی می‌گوید عرض کردم: «حجت و دلیل اینکه امت محمد صلی الله علیه و آله فقط اهل بیت او (که شما ذکر کردید) هستند چیست؟ حضرت فرمود:

دلیل آن آیه «به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند [و می‌گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی! پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند به وجود آور و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده

و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی». چون خداوند دعای ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام را اجابت نمود و از نسل آنان امت مسلمانی قرار داد و پیامبری از آنان، یعنی از آن امت، را مبعوث کرد که آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزاند. ابراهیم علیه السلام پس از دعای اول، دعای دیگری از خداوند مسئلت داشت و از خداوند خواست تا آنان را از شرک و بت پرستی پاکیزه سازد تا اینکه موقعیت او میان آنان نیز تثبیت شود و فقط از آنان پیروی کنند. پس به خداوند عرض کرد: «مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. پروردگارا آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند. پس هر که از من پیروی کند بی گمان او از من است و هر که مرا نافرمانی کند به یقین تو آمرزنده و مهربانی». این آیه دلالت دارد بر اینکه ائمه و امت مسلمانی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آن به پیامبری مبعوث شد، تنها از نسل ابراهیم علیه السلام هستند؛ چرا که ابراهیم علیه السلام عرض کرد: «مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار». ^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۱)

میقات حج

۱. «أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ بَنُو هَاشِمٍ خَاصَّةً». قُلْتُ: فَمَا الْحُجَّةُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ أَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِهِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ دُونَ غَيْرِهِمْ؟ قَالَ: «قَوْلُ اللَّهِ: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾» (بقره: ۱۲۸-۱۲۷) فَلَمَّا أَجَابَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَجَعَلَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ أُمَّةً مُسْلِمَةً، وَبَعَثَ فِيهَا رَسُولًا مِنْهَا - يَعْنِي مِنْ تِلْكَ الْأُمَّةِ - يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، رَدَفَ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام دَعْوَتُهُ الْأُولَى بِدَعْوَتِهِ الْأُخْرَى، فَسَأَلَ هُمْ تَطَهُّرًا مِنَ الشَّرِّ وَمِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ، لِيَصِحَّ أَمْرُهُ فِيهِمْ، وَلَا يَتَّبِعُوا غَيْرَهُمْ، فَقَالَ: ﴿وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ * رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَا كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَحِيمٌ ﴿فَفِي هَذِهِ دَلَالَةٌ عَلَى أَنَّهُ لَا تَكُونُ الْأُمَّةُ وَالْأُمَّةُ الْمُسْلِمَةُ الَّتِي بَعَثَ فِيهَا مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله و سلم إِلَّا مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام، لِقَوْلِهِ: ﴿وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾

عبارت «أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ» در آیه مذکور مطلق است و در همه نسل ابراهیم علیه السلام که تسلیم خدا باشند ظهور دارد، اما در این روایت به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تأویل شده است. از این رو تأویل ذکر شده در این حدیث از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه است.

دو - امام عسکری علیه السلام درباره آیه ۱۹۸ سوره بقره فرمود:

قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَاجِّ: فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ وَ مَصَيَّتُمْ إِلَى الْمُرْدَلِفَةِ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بِآلَائِهِ وَ نِعْمَائِهِ، وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ، وَ عَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ أَصْفِيَاءِهِ، وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا هَدَاكُمْ لِدِينِهِ وَ الْإِيمَانَ بِرَسُولِهِ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لِنَ الضَّالِّينَ عَنْ دِينِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَهْدِيَكُمْ إِلَى دِينِهِ.

خدای عزوجل به حاجیان فرمود:

«پس چون از عرفات کوچ کردید و به سوی مزدلفه راهی شدید خدا را در مشعرالحرام با نعمت هایش و درود بر محمد صلی الله علیه و آله سید انبیایش و علی علیه السلام سید برگزیدگانش یاد کنید؛ خدا را یاد کنید که شما را به دینش و ایمان به رسولش هدایت کرد؛ اگرچه پیش تر، قبل از اینکه شما را به دینش هدایت کند، جزو گمراهان از دینش بودید». (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ص ۶۰۵)

عبارت «فَادْكُرُوا اللَّهَ» مطلق بوده و در هرگونه ذکر خدا ظهور دارد، اما در حدیث مذکور به درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام تأویل شده است. لذا این تأویل از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه است.

سه - امام صادق علیه السلام درباره آیه «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (بقره: ۱۹۹) فرمود: «يَعْنِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ»؛ «منظور خداوند از مردم، ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام است». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۷)

چهار - امام باقر علیه السلام درباره آیه «ثُمَّ أٰفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (بقره: ۱۹۹) فرمود: «هُمَّ أَهْلُ الْيَمَنِ»؛ «منظور از ناس مردم یمن می باشند». (همان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۸)

واژه «النَّاسُ» عام بوده و همه مردم را در بر می گیرد، اما در روایت فوق به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و مردم یمن تأویل شده است. لذا این تأویل از نوع بیان مصداق عموم آیه است.

پنج - امام عسکری علیه السلام درباره آیه ۲۰۰ سوره بقره فرمود:

فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ اَلَّتِي سَنَنْتُ لَكُمْ فِي حَجِّكُمْ فَادْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اَبَاءَكُمْ
ادْكُرُوا اللّٰهَ بِالْآيَةِ لَدَيْكُمْ وَاِحْسَانِهِ اِلَيْكُمْ فَيَمَّا وَفَّقَكُمْ لَهُ مِنَ الْاِيْمَانِ بِنُبُوَّةِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ سَيِّدِ الْاَنْامِ وَاِعْتِقَادِ وَصِيِّهِ عَلِيِّ زَيْنِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ كَذِكْرِكُمْ
اَبَاءَكُمْ بِاَفْعَالِهِمْ وَاَمَّا ثَرِيهِمُ الَّتِي تَذْكُرُوْنَهَا اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا خَيْرُهُمْ بَيْنَ ذَلِكَ وَاَلَمْ
يُلْزِمُهُمْ اَنْ يَكُوْنُوْا لَهُ اَشَدَّ ذِكْرًا مِنْهُمْ لِاَبَائِهِمْ وَاِنْ كَانَتْ نِعْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَكْثَرَ
وَاَعْظَمَ مِنْ نِعَمِ اَبَائِهِمْ.

و چون آداب ویژه ای که در حج برای شما سنت شده به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید خدا را به یاد آورید؛ یعنی خدا را با نعمت هایش بر شما و احسانش که توفیق ایمان به نبوت محمد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ سید خلائق و اعتقاد به جانشینش و برادرش علی علیه السلام زینت اهل اسلام یاد کنید، همان گونه که پدران خود را با کارهایشان و آثارشان به یاد می آورید یا اینکه خدا را بیشتر به یاد آورید؛ خدا آنها را مخیر کرد و ملزم نکرد که او را از پدرانشان بیشتر یاد کنند؛ اگرچه نعمت های خدا بر آنان بیشتر و بزرگتر از نعمت های پدرانشان است. (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹، ص ۶۰۵)

عبارت «فَاذْكُرُوا اللَّهَ» مطلق بوده و ظهور در هرگونه ذکر خدا دارد، اما در حدیث مذکور به یاد نعمت ایمان به نبوت پیامبر ﷺ و امامت امام علی ؑ تأویل شده است. لذا این تأویل از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه است.

شش - امام باقر ؑ درباره آیه ﴿فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾ (بقره: ۲۰۳) فرمود:

أَنْتُمْ - وَاللَّهِ - هُمْ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ وَلَايَةٌ عَلَيَّ إِلَّا الْمُتَّقُونَ. به خدا قسم مخاطب آیه شما [شیعیان] هستید. رسول الله ﷺ فرموده است: «تنها متقیان، بر ولایت علی ؑ ثابت قدم می مانند». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰)

عبارت «لِمَنِ اتَّقَى» در مطلق پرهیزکاران ظهور دارد، ولی در این روایت به شیعیان تأویل شده است. بنابراین تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اطلاق آیه است.

هفت - امام کاظم ؑ درباره آیه ﴿وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج: ۲۶) فرمود: «يَعْنِي بِهِمْ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ منظور خداوند از ایشان (طواف کنندگان و...) آل محمد ﷺ می باشند». (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۱)

عبارات ﴿لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ جمع محلی به الف و لام و عام هستند و ظهور در همه طواف کنندگان، نمازگزاران، راکعان و ساجدان دارد. ولی در روایت مذکور منظور از آنان را خاندان محمد ﷺ می داند. بنابراین تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه است.

هشت - از امام کاظم ؑ روایت شده که فرمود: «از پدرم درباره این سخن خداوند عزوجل ﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ (حج: ۳۴) پرسیدم. پدرم (امام صادق ؑ) فرمود: «نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً»؛ «این آیه در خصوص ما [اهل بیت] نازل شده است». (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۲)

نه - از ابن عباس درباره آیه ﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ (حج: ۳۴) روایت شده است: «نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ سَلْمَانَ»؛ «این آیه درباره علی علیه السلام و سلمان نازل شده است». (حسکانی، ۱۴۱، ج ۱، ص ۵۱۹)

ده - هرگاه امام صادق علیه السلام فضیل بن یسار را می دید می فرمود: بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ، مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرَى رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَيَّ هَذَا. «افراد مطیع و متواضع را بشارت ده؛ هرکس دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند به این مرد نگاه کند». (کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۳)

واژه «المُخْبِتِينَ» جمع محلی به الف و لام و عام بوده و ظهور در همه کسانی دارد که در برابر خدا مطیع و متواضع اند، ولی در روایات فوق به اهل بیت علیهم السلام، سلمان و فضیل بن یسار تأویل شده است. بنابراین تأویل در این روایات درباره اهل بیت علیهم السلام از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه و در خصوص سلمان و فضیل بن یسار از نوع بیان مصداق عموم آیه است.

نتیجه‌گیری

یکی از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در بیان معارف قرآن کریم، گشودن دریچه‌ای نو و هماهنگ با زمان به نام تأویل است. در بین روایات تأویلی اهل بیت علیهم السلام روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات مرتبط با حج پرداخته است. از مجموع چهل روایت تأویلی ذیل شانزده آیه مرتبط با حج این نتیجه حاصل شد که در این روایات از مجموع شش گونه تأویل قرآن، چهار نوع آن وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۱۲ روایت)، مصداق باطنی آیه (۱۶ روایت)، مصداق آیه درگذر زمان (۲ روایت) و مصداق اطلاق یا عموم آیه (۱۰ روایت). همچنین در روایات یادشده دو نوع دیگر تأویل قرآن، یعنی تأویل آیه متشابه و تحقق مفاد آیه، مشاهده نشد.

منابع

قرآن کریم

۱. آگاه، حمید، ۱۳۷۵، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)»، پژوهش های قرآنی، شماره ۵ و ۶.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، احمد، ۱۴۱۰ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. ازهری، محمد بن احمد، بی تا، *معجم تهذیب اللغة*، بیروت، دارالکتب العربی.
۶. استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود، ۱۳۹۰، *پژوهشی در محکم و متشابه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. امام عسکری (علیه السلام)، حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علي العسكري (علیه السلام)*، قم، مدرسه الإمام المهدي (علیه السلام).
۹. بابایی، علی اکبر، «تأویل قرآن»، معرفت، ۱۳۷۲، شماره ۶.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۲۸ق، *الصحاح اللغة*، بیروت، دارالمعرفه.
۱۲. حسکانی، عیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
۱۳. ذوققاری، شهاب الدین، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه های برخی قرآن پژوهان معاصر»، *مجله حسنا*، ۱۳۹۳، شماره ۲۱.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات*، قم، نشر کتاب.
۱۵. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۷۶، *روش های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۶. -----، ۱۳۸۲، *مبانی و روش های تفسیر*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. -----، ۱۳۸۸، «تأویل»، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۸. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
۱۹. -----، ۱۳۸۵، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری.
۲۰. -----، ۱۴۰۳ق، معانی الأخبار، قم، انتشارات اسلامی.
۲۱. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
۲۵. علوی نژاد، سیدحیدر، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت علیهم السلام»، حسنا، ۱۳۸۲، شماره ۲.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، ترتیب کتاب العین، تهران، اسوه.
۲۸. فرجاد، محمد، ۱۳۸۳، «معناشناسی تأویل در روایات»، پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸.
۲۹. فیروزآبادی، مجدالدین، بی تا، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، بیروت، المکتبه العلمیه.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.
۳۱. قهاری کرمانی، محمد هادی، ۱۳۹۸، «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن»، پژوهش نامه تأویلات قرآنی، شماره ۳.
۳۲. -----، ۱۳۹۹، «انواع روایات تأویلی سوره آل عمران درباره حضرت علی علیه السلام»، پژوهش نامه نقد آراء تفسیری، شماره ۲.
۳۳. -----، ۱۴۰۰، «انواع روایات تأویلی سوره هود درباره امام علی علیه السلام»، مطالعات علوم قرآن، شماره ۷.
۳۴. -----، ۱۴۰۰، «گونه شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیه السلام»، سفینه، شماره ۷۳.
۳۵. -----، ۱۴۰۱، «گونه شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان علیه السلام در سوره مائده»، حدیث و اندیشه، شماره ۳۳.
۳۶. -----، ۱۴۰۰، «گونه شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان علیه السلام»،

- پژوهش نامه تأویلات قرآنی، شماره ۶.
۳۷. کتبی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشي [إختیار معرفة الرجال]، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافي، قم، دارالحدیث.
۳۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفي، تهران، مؤسسه الطبع وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
۴۰. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، تصحیح اعتقادات الإمامية، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۲. نصیری، علی، ۱۳۷۷، تأویل از نگاه تحقیق، مجله بینات، شماره ۱۷.

